

نیت

اهمیت نیت در عبادات

آغاز نماز، از قلب شروع می‌شود. در روایات آمده: «القلب حَرَمٌ اللهُ فلا تُسکن حرم الله غير الله»؛ قلب، حرم خداست؛ در حرم خدا جز خدا راه ندهید. نماز برای ارتباط با خدا و برای انس با خداست. جوهره انسان، دل اوست. نیت در تمام عبادات وجود دارد. در وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و... نیت، رکن و اساس آن عبادت است. نیت به پرنده‌ای می‌ماند که دو بال دارد؛ یک بال نیت، توجه به عمل است؛ مثلاً شخصی می‌پرسد: چه کار می‌کنید؟ نماز می‌خوانم. چه نمازی؟ نماز ظهر. در حضر یا سفر؟ در حضر هستیم؛ به عبارت دیگر، توجه داشتن به این که چه می‌کنیم. بال دیگر نیت، درباره قصد ماست؛ برای چه این کار را انجام دهیم؟ (قصد قربت)

انگیزه و قصد نیت

برای نزدیک شدن به خدا و جلب رضایت او نماز می‌خوانم، و جز این انگیزه دیگری ندارم. برای خنکی و گرم شدن به مسجد نیامده‌ام، یا برای خوش آیند رئیس و فرمانده و مدیر نماز نمی‌خوانم. از ترس نماز نمی‌خوانم و یا برای خودنمایی و نشان دادن خود نماز نمی‌خوانم؛ فقط برای خدا نماز می‌خوانم. اگر نماز و عبادت برای خدا یا دیگران باشد، «شُرک» می‌شود؛ فقط برای دیگران باشد «کفر» می‌شود و اگر فقط برای خدا باشد، «خالص» است. نیت، اولین واجب نماز است. نماز با قلب شروع می‌شود و با چنین جملاتی: خدایا! رو به تو آورده‌ام؛ می‌خواهم با تو حرف بزنم و تو را ستایش کنم. می‌خواهم از نعمت‌های تو قدردانی کرده و از تو کمک بگیرم، و قصدی جز تو ندارم.

نیت خالص و الطاف الهی

اگر نیت با اخلاص همراه باشد، الطاف الهی را جذب می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛^۲ کسانی که در راه ما [و به خاطر ما] تلاش می‌کنند، ما راه‌های خودمان را به آن‌ها نشان می‌دهیم.

امام صادق (علیه السلام) و اخلاص در نیت

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا﴾؛^۳ جز عمل خالص را قبول نمی‌کنم؛ بنابراین، نیت خالص، شرط قبولی عمل است.

در حدیث دیگری امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَلِيلِ مِنْ عَمَلِهِ أَظْهَرَهُ اللَّهُ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَرَادَ، وَ مَنْ أَرَادَ النَّاسَ بِالْكَثِيرِ مِنْ عَمَلِهِ فِي تَعَبٍ مِنْ بَدَنِهِ وَ سَهَرٍ مِنْ لَيْلِهِ أَبِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ يُقَلِّلَهُ فِي عَيْنٍ مَنْ سَمِعَهُ؛^۴ هر که کار کوچکی را به خاطر خدا

۱. بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۵.

۲. عنکبوت: ۶۹.

۳. بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۴۳.

۴. بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۶۹، ص ۲۹۰.

انجام دهد، خداوند آن کار کوچک را بزرگ جلوه می‌دهد؛ اما اگر کسی کار بسیاری را به خاطر مردم انجام دهد، خداوند آن کار را در چشم و گوش شنوندگان و بینندگان، کوچک و قلیل می‌کند. مطابق روایات می‌توان با نیت در کارهای فراوانی سهیم و شریک شد؛ برای مثال، با ایمان و اعتقاد و رضایت به راه امام حسین (علیه السلام) و راه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌توان در ثواب شهدای جمل یا شهدای کربلا شریک شد. از این رو، حرکت قلبی، سرمایه گران‌بهای به‌شمار می‌رود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نیت عمل

یکی از یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ جمل ناراحت بود. امام از او پرسید: ما که پیروز شدیم؛ پس چرا ناراحتی؟ گفت: متأسفانه یکی از دوستانم توفیق پیدا نکرد در جنگ شرکت کند. امام پرسید: «أَهْوَى أَخِيكَ مَعَنَا؟» آیا دل برادر تو با جبهه ماست یا با جبهه مقابل ماست؟ گفت: با قبله ماست و از دوست‌داران شمامست. فرمود: نه تنها این دوست تو، بلکه نام تمام کسانی که در آینده خواهند آمد و راه ما را قبول دارند، در این عملیات ثبت شده است:

وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدَدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ أُعَدَّاكَ فَقَالَ لَهُ ع [ع] أ هَوَى أَخِيكَ مَعَنَا فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا [قَوْمٌ] أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَفُوقُ بِهِمُ الْإِيمَانَ؛^۵

چون خداوند در جنگ جمل پیروز گردانید، یکی از یاران گفتش: ای کاش برادرم، می‌بود و می‌دید که چگونه خداوند شما را بر دشمنان پیروز ساخته. علی (ع) از او پرسید:

آیا برادرت هوادار ما بود؟ گفت: آری. علی (ع) گفت: پس همراه ما بوده است.

ما در این سپاه خود مردمی را دیدیم که هنوز در صلب مردان و زهدان زنان هستند. روزگار آنها را چون خونی که بناگاه از بینی گشاده گردد، بیرون آورد و دین به آنها نیرو گیرد.

مطابق روایات، نمازهایی که ما نیت درست داریم، مورد قبول خداوند واقع می‌شود؛ حتی از نماز، آن مقداری که ما توجه داشتیم و نیت داشتیم، مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده:

وَ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَكَ وَ عِلْمَكَ وَ حُبَّكَ وَ بَعْضَكَ وَ أَخْذَكَ وَ تَرْكَكَ وَ كَلَامَكَ وَ صَمْتَكَ؛^۶ کار، دانش، محبت، کینه، گرفتن، نگرفتن، سخن گفتن و سکوت خود را خالص گردان!

^۵. بحار الأنوار (چاپ بیروت)، ج ۳۲، ص ۲۴۵.

^۶. صبحی صالح، نهج البلاغة، ص ۷۵۲.

قرآن کریم و نیت قربت

در روز قیامت، عبادت، خدمت و کاری که برای خدا کردیم می ماند. قرآن می فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ هَاجِرُوا وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛﴾ جهاد در راه خدا، قتال در راه خدا، هجرت در راه خدا، انفاق در راه خدا و... این ها، گویای نیت هستند.

نیت و تمرکز حواس

نیت، بعد دیگری هم دارد و آن، تمرکز است. یعنی نمازگزار از آغاز تا پایان نماز باید تمرکز و توجه داشته باشد؛ نه این که زبانش الفاظی را تکرار کند، اما دلش جای دیگری باشد. می گویند: در نماز گم شده ها را پیدا می کنیم، در نماز برنامه ریزی می کنیم، در نماز تصمیم گیری می کنیم و... روز قیامت، بسیار تأسف خواهیم خورد. با حضرت استاد قرائتی به کربلا می رفتیم. غروب به کرمانشاه رسیدیم. ایشان فرمودند: برای اقامه نماز به مسجدی در کرمانشاه برویم. پسری داشت در حیاط مسجد وضو می گرفت. تا آقای قرائتی را دید، وضو را نیمه تمام گذاشت و نزد ایشان آمد؛ پرسید: حاج آقا! چه کنیم در نماز، حضور قلب داشته باشیم؟ حاج آقا قرائتی گفتند: برو وضویت را بگیر! من بعد از نماز با شما صحبت می کنم.

وارد مسجد که شدیم، امام جماعت به استقبال آمد و گفت: آقای قرائتی! من دو سال دنبال شما می گردم و سؤالی از حضرت عالی دارم: چه کنیم که در نماز حضور قلب داشته باشیم؟ معلوم شد مشکل امام و مأموم یکی است!

خیلی از ما به این مسئله مبتلا هستیم؛ نماز می خوانیم، اما توجه، تمرکز و حضور قلب نداریم. در قرآن کریم آمده: **فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**؛ وای بر نمازگزاران که از نماز خود غافل هستند! آقای قرائتی در پاسخ گفتند: من بعد از نماز برای شما صحبت می کنم. بعد از نماز گفتند: یکی از ویژگی های مسجد شما این است که مشکل امام، مأموم و سخنرانان یکی است و خندیدند! در واقع، با بیان طنز گفتند که مشکل من هم همین است. سپس چند راه برای تمرکز و حضور قلب در نماز گفتند؛ این راه ها را یا امامان معصوم (علیهم السلام) به ما یاد داده اند و یا از آیات قرآن فهمیده می شود. قرآن می فرماید: **أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ**؛^۸ پیش از نماز، قرآن بخوانید. یا رهنمودهایی به ما رسیده است که اگر می توانید قبل از نماز چند دقیقه سکوت کنید.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) و حضور قلب

امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: برای حضور قلب، در ایستگاه وضو دقت کنید؛^۹ پرشتاب، باعجله و با حواس پرتی وضو نگیرید و مقداری توجه کنید که می خواهید چه کار کنید؟ می خواهید به پیشگاه خدا بروید. امامان ما در وضو گریه می کردند و رنگ صورتشان زرد می شد.^{۱۰} از آن ها می پرسیدند: دلیل این تغییر حالت هنگام وضو چیست؟ می گفتند: الآن وقت ادای امانت الهی فرا رسیده؛ همان امانتی که خدا به آسمان ها و زمین عرضه کرد و آن ها گفتند: نه، ما طاقت نداریم.^{۱۱}

۷. ماعون: ۲.

۸. عنکبوت: ۴۵.

۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

۱۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۴.

مکان‌هایی که مانع حضور قلب می‌شود

در احکام فقهی آمده است: نماز را در جایی بخوانید که حواستان پرت نشود. برای مثال، خواندن نماز در آشپزخانه کراهت دارد. فلسفه کراهت این است که غذای پخته شده تمرکز را از بین می‌برد و شخص در پی آن است که نماز را زودتر تمام کند و سر سفره بنشیند. و یا روبه‌روی آتش نماز خواندن، روبه‌روی انسانی که خوابیده، روبه‌روی انسانی که نشسته، در محیطی که عکس در آن باشد، روبه‌روی تلویزیون و به طور کلی، عامل‌هایی که حضور قلب را از بین می‌برند و نمی‌گذارند ما با خدا خلوت لذت‌بخشی داشته باشیم کراهت دارند. البته ذکر این نکته لازم است که حضور قلب چیزی نیست که صددرصد به آن برسیم؛ به عبارت دیگر، نسبی است، و باید تلاش کنیم روزبه‌روز به حضور قلبمان افزون شود.

سازمان آموزش آداب و اسرار نماز - ستاد اقامه نماز
سازمان آموزش مجازی مهدویت

نیت و تکبیرة الاحرام

نیت، موضوع بسیار مهمی است؛ همان چیزی است که به نماز ما قیمت می‌دهد. استاد قرائتی با ذکر مثالی به تعریف و تبیین «نیت» پرداختند: در اسکناس، نخ وجود دارد که اگر آن نخ را بردارید، دیگر قیمتی ندارد. نخ اسکناس نماز یا عبادات، همان نیت است. اکنون باید به این سؤال پاسخ داد که: چگونه که عبادات ما به اخلاص نزدیک‌تر شود؟

۱. هر چه داریم از خداست

اولین نکته‌ای که معصومان (علیهم السلام) در این زمینه به ما توجه داده‌اند این است که هر چه داریم از خداست؛ دیگران کاری برای ما نکرده‌اند و چیزی به ما نداده‌اند. نعمت‌هایی که در اختیار ماست، امکاناتی که در اختیار ماست، هستی ما، حافظه ما، سلامت ما، همه و همه از خداست. بنابراین: چرا از دیگران بترسیم؟ چرا به طمع دیگران کار کنیم؟ توجه و تأمل درباره این نکته، به ما کمک می‌کند که کار را با اخلاص انجام دهیم.

۲. نتیجه کار برای دنیا

روایت شده: روز قیامت به بعضی گفته می‌شود: شما برای دنیا کار کردید و در دنیا هم اسمتان را روی خیابان‌ها گذاشتند، بنر زدند، هورا کشیدند و...؛ اما کسی که برای آخرت کار می‌کند، باید منتظر باشد که در آخرت دستش را بگیرند. اثر کار برای دنیا، درهمین دنیاست و خیلی زود از بین می‌رود. بنابراین، کار کردن برای آخرت یکی از عوامل کسب اخلاص است.

قرآن و مذمت کار برای دنیا

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَاةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾^{۱۲} کسانی که برای غیر خدا کار می‌کنند، تجارتشان سودی ندارد.

از حضرت امیر (علیه السلام) روایت شده: ﴿لَيْسَ الْمُنْجَرُ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ مَهْمًا﴾^{۱۳} بازرگانی و تجارت بدی است که دنیا را پول کالای خودت بدانی. اثر کار برای دنیا به‌زودی از بین می‌رود.

در قرآن کریم آمده: ﴿زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^{۱۴} «زهرة» به معنای «غنچه» است. بعضی این عبارت را این‌گونه معنا کرده‌اند: غنچه زندگی دنیا. این غنچه برای کسی تبدیل به گل نمی‌شود. به محض این که می‌خواهد از دنیا بهره‌ای ببرد، یک‌دفعه سخته می‌کند. حالا که خانه خرید و قسطها را داد و به درآمدی رسید، بیماری‌ها و حوادث به سراغش می‌آیند. در نگاه قرآن، دنیا چیزی نیست و با عبارتی نظیر: متاع الغرور، متاع الدنيا قليل، مکان لهو و لعب و... به این امر اشاره می‌کند.

قرآن و تشویق به کار برای آخرت

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾^{۱۵} کسی که آخرت را بخواند، برای آخرت تلاش کند در حالی که ایمان دارد چنین کسانی پاداش تلاششان حفظ شده است.

^{۱۲}. بقره: ۱۶.

^{۱۳}. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۴.

^{۱۴}. کافی، ج ۲، ص ۱۲۹.

^{۱۵}. اسرا: ۱۹.

۳. عبرت گرفتن از دیگران

در گذشته، بعضی برای خدا کار کرده‌اند و بعضی برای غیرخدا هر دو گروه نیز از دنیا رفته‌اند، کدام گروه برنده و سعادت‌مند شدند؟ تأمل درباره گذشتگان و عبرت گرفتن از آن‌ها ما را به اخلاص نزدیک می‌کند.

عبرت از داستان پسر حضرت نوح (علیه السلام)

باید از پسر نوح (علیه السلام) عبرت بگیریم؛ او که فرزند پیامبر بود، سراغ غیرخدا رفت! گفت: ﴿قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ﴾^{۱۶} کوه مرا نجات می‌دهد و مرا حفظ می‌کند. آیا او را نجات داد؟ بنابراین، باید از کسانی که دنبال غیرخدا رفته‌اند، عبرت بگیریم و از کسانی که به خاطر خدا خدمت کرده‌اند، الهام بگیریم؛ برای مثال، سرانجام ریاکاران چه شد و کسانی که نیت‌های پاک داشتند، چه سرانجامی پیدا کردند؟!

اهمیت تکبيرة الاحرام

«تکبیر» به معنای «الله اکبر» گفتن است. «احرام» نیز به معنای حرمت و احترام است؛ مانند لباس احرام. از هر راهی که بخواهید وارد مکه شوید، ایستگاه‌هایی به نام «میقات» وجود دارد. در آنجا لباس‌هایمان را درمی‌آوریم و لباس دیگری به نام «لباس احرام» می‌پوشیم؛ یعنی لباسی که احترام دارد؛ آن‌گاه با گفتن: «لبیک، اللهم لبیک» وارد حرم خدا می‌شویم. وقتی وارد آن فضا شدیم، کارهایی مثل: در آینه نگاه کردن، زینت کردن، کشتن حیوان، صید کردن حیوان، کشمکش، جر و بحث و... بر ما ممنوع می‌شود. نماز هم همین‌گونه است؛ تا قبل از «الله اکبر» می‌توانستیم هر کاری انجام دهیم، اما بعد از گفتن تکبيرة الاحرام، اموری بر ما حرام می‌شود. بنابراین، «الله اکبر» تکبيرة الاحرام با بقیه «الله اکبر»هایی که پیش از رکوع و بعد از رکوع می‌گوییم، فرق دارد. تکبيرة الاحرام یعنی «الله اکبر»ی که با گفتنش ما وارد حرم خدا می‌شویم. بعد از آن، رو برگرداندن به سمت چپ و راست ممنوع است، حرف زدن ممنوع است، خندیدن ممنوع است، گریستن ممنوع است، غذا خوردن ممنوع است و... در حرم خدا فقط باید با پروردگاران حرف بزنیم. معنای «الله اکبر» هم این است که: خداوند بزرگ‌تر از همه معبودها، معشوق‌ها، قدرت‌هاست. شایان ذکر است، تکبيرة الاحرام رکن نماز است. پس نماز با بزرگی خدا و با تکبیر شروع می‌شود.

سخن امام کاظم (علیه السلام) درباره تکبیر

از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده:

قَدْ اَكْبَرْتَ فَاسْتَصْغِرْ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى؛^{۱۷} هنگامی که تکبیر می‌گویی، باید تمام چیزهایی را که بین زمین و آسمان است، حقیر بشماری [و فقط خدا در نزد تو بزرگ باشد].

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف پرهیزگاران

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف پرهیزگاران می‌فرماید:

^{۱۶} هود: ۴۳.

^{۱۷} مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۶؛ بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۸۱، ص ۲۳۰.

عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ صَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛^{۱۸} خدا در چشم آن‌ها بزرگ است و قدرت‌های دیگر در دل آن‌ها جایگاهی ندارند.

در حقیقت، چون خدا را بسیار بزرگ می‌دانند، موجودات دیگر را ناچیز و حقیر می‌بینند.

«الله اکبر» در نماز

ذکر «الله اکبر» یکی از ذکرهایی است که بسیار در نماز گفته می‌شود؛ برای مثال، مستحب است پیش از رکوع، پس از رکوع، پیش از سجده، پس از سجده، هنگامی که می‌نشینیم و می‌ایستیم، این ذکر را بگوییم. هم‌چنین بعد از نماز ۳۴ بار «الله اکبر» می‌گوییم و در تسبیحات اربعه نیز این ذکر وجود دارد. «الله اکبر» از شعائر اسلام است.

امام حسین (علیه السلام) بر دوش پیامبر (صلی الله و علیه و آله)

امام حسین (علیه السلام) دیر به سخن آمدند. حضرت فاطمه (علیها سلام) دلوپس بودند. روزی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) به نماز عید می‌رفتند، این طفل را روی دوش خود سوار کردند. پیغمبر (صلی الله و علیه و آله) نوه‌هایش را بسیار به مسجد می‌برد و یا اگر به مسجد می‌آمدند، بسیار آن‌ها را تشویق می‌کردند؛ حتی گاهی در سجده روی کمر پیامبر (صلی الله و علیه و آله) بازی می‌کردند و پیغمبر سجده‌هایشان را طول می‌دادند تا بچه‌ها بازی کنند. گفتنی است، یهودی‌ای با دیدن این منظره، مسلمان شد. پیامبر نوه‌اش (امام حسین (علیه السلام)) را روی کتف خودش سوار و به سمت مصلا حرکت کرد. نمازگزارانی که می‌خواستند نماز عید بخوانند، تکبیر می‌گفتند. جالب این‌جاست که زبان امام حسین (علیه السلام) به «الله اکبر» باز شد؛^{۱۹} یعنی اولین کلمه‌ای که به زبانشان جاری شده «الله اکبر» است و آخرین کلمه‌ای که آن حضرت در گودال قتلگاه بر زبان جاری کرد و روح پاکش به آسمان‌ها پر کشید، این بود: «پروردگارا! راضیم به رضای تو».

حکم فقهی تکبیرة الاحرام

تکبیرة الاحرام را باید به زبان عربی صحیح بگوییم. نمازی که عاشقانه و با اخلاص می‌خوانیم، باید قرائت صحیحی نیز داشته باشد.

^{۱۸} صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۳۰۳.

^{۱۹} قصص الانبیاء، ص ۷۵۰.